

چکیده:

رئیس جمهور به عنوان رئیس دولت تحت نظارت قوه مقننه بوده و در صورت خطا در تصمیم-گیری‌ها از جانب پارلمان تذکر دریافت می‌کند و یا مورد استیضاح قرار گرفته و درباره تصمیمات خود و یا ضعف‌هایی که در دولت وجود دارد توضیحات لازمه را ارائه می‌نماید. پرسش اصلی این است که چه تفاوت‌هایی در مکانیسم نظام ریاستی ایران و آمریکا وجود دارد؟ این مقاله در صدد اثبات این فرضیه است که نظام سیاسی با توجه به تعلق آن به بعد ساختاری حکومت و در نتیجه حاکم بودن منطق آن، مفهوم و مصادیق با هم متفاوت است. الگوی ارائه شده در حقوق اساسی کشور ایران و آمریکا نیز متفاوت از دیگری است. تحقیق کنونی با روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی-تحلیلی انجام می‌گیرد.

واژگان کلیدی: آمریکا، ایران، استیضاح، نظام ریاستی

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دولت از ارکان قدرت نظام است که به وسیله شخص رئیس جمهور اداره می‌شود. لغزندگی در تصمیم‌گیری‌ها و عملکردهای رئیس جمهور به هر نوعی می‌تواند آسیبی جدی بر پیکره نظام باشد. لذا سیستم نظارتی قوه مقننه در این مرحله جنبه کارکردی داشته و می‌تواند ضمن جلوگیری از اشتباهات شخص رئیس جمهور، توضیحات لازمه را درباره امور دولت بخواهد. البته باید توجه داشت که نظارت بر اعمال رئیس جمهور در قانون اساسی کشورهایی که از سیستم پارلمانی تبعیت می‌کنند وجود دارد و تنوع و نحوه آن نیز تعیین گشته است. پارلمان می‌تواند ضمن نظارت بر اعمال رئیس جمهور در صورت بروز خطا، ایشان را استیضاح نموده و خواستار توضیحات قانع‌کننده از جانب ایشان باشند. با این حال مکانیسم استیضاح در سیستم‌های مختلف حکومتی تفاوت‌هایی نیز دارد که می‌توان به قدرت رئیس جمهور در نظام سیاسی ریاستی و نیمه ریاستی اشاره کرد. البته خالی از لطف نیست اگر به نوع توافق نمایندگان درباره استیضاح رئیس جمهور در سیستم ریاستی و نیمه ریاستی پرداخته و در متن اصلی مقاله درباره آن نیز توضیحاتی ارائه می‌نماییم. جمهوری اسلامی به عنوان نظام نیمه ریاستی دارای ایدئولوژی‌هایی است که بنابر آن استیضاح رئیس جمهور تنها از نمایندگان مجلس بر می‌آید و اصل ۸۹ قانون اساسی که خط و مشی استیضاح رئیس دولت را مشخص کرده است؛ به عنوان مثال کشور آمریکا با نظام ریاستی را می‌توان زیر ذره بین تحقیق قرار داد و با نگاهی تطبیقی ضمن بررسی اختیارات رئیس جمهور در آن، چگونگی استیضاح در این کشور را نیز تشریح کرد تا نقاط تفاوت و شباهت‌ها مشخص گردد.

پیشینه تاریخی

سابقه طرح بحث تفکیک قوا در ایران به جنبش ناتمام مشروطه باز می‌گردد. در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس‌جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس‌جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس‌جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس‌جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ده اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد. در آمریکا چندین بار سنا برای رسیدگی به اتهامات وارده علیه افراد مختلف دادگاه تشکیل داده‌است. نخستین مورد استیضاح تنها چند سال بعد از تصویب قانون اساسی روی داد و در آن سناتور ایالت تنسی در سال ۱۷۹۹ توسط همکارانش در

سنا محاکمه شد. از آن تاریخ به بعد سنا ۱۶ بار به دادگاه تبدیل شده و افرادی را محاکمه و تعدادی از آنان را از کار برکنار کرده است. آخرین مورد از استیضاح یک مقام دولتی، محاکمه پر سر صدای بیل کلینتون رئیس جمهور سابق ایالات متحده در سال ۱۹۹۹ بود. استیضاح رؤسای جمهور به نسبت موارد مشابه برای دیگر مقامات از حساسیت بیشتری برخوردار است. در طول تاریخ ایالات متحده، تنها دو رئیس جمهور در سنا محاکمه شده‌اند و در تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۹ کنگره به استیضاح دونالد ترامپ بابت دو لایحه رای مثبت داده است؛ که با آراء بسیار اندک از خطر برکناری نجات یافتند. اندرو جانسون و بیل کلینتون تنها رؤسای جمهوری بودند که تجربه تلخ محاکمه در زمان حضور در کاخ سفید را پشت سر گذاشتند. هر دو تنها با یک رأی اضافه توانستند به ریاست جمهوری خود ادامه دهند. در جریان ماجرای واتر گیت در سال ۱۹۷۴، پس از تصویب طرح استیضاح رئیس جمهور در کمیته قضایی مجلس نمایندگان، ریچارد نیکسون که نسبت به تصویب این طرح در مجلس نمایندگان و سپس محکومیت خود در سنا اطمینان داشت داوطلبانه از مقام خود کناره‌گیری کرد. با این حال تعقیب قضایی ریچارد نیکسون بعد از برکناری وی ولی این بار توسط دادگاه ادامه یافت و در نهایت به محکومیت وی منجر شد. اتهام جانسون به مخالفت وی با برنامه بازسازی کشور پس از پایان جنگ داخلی مربوط بود. کنگره قصد داشت با استیضاح و برکناری وی، موانع بر سر بازسازی مناطق جنگی جنوب کشور را برطرف نماید. جلسات دادگاه جانسون بیش از ۲ ماه طول کشید و سرانجام وی با یک رأی اضافی بی‌گناه شناخته شد. در خصوص رسوایی اخلاقی بیل کلینتون و ارتباط وی با مونیکا لوئینسکی کارآموز سابق کاخ سفید (رئیس جمهور آمریکا به ادای شهادت دروغ، شکستن سوگند و گمراه کردن دادگاه از دستیابی به حقیقت متهم شده بود. دادگاه کلینتون ماه‌ها اخبار سیاسی آمریکا را تحت‌الشعاع قرار داده بود و به یک بحران اخلاقی در سطح این کشور تبدیل شد. وی پس از ماه‌ها انکار مجبور شد در یک برنامه مستقیم تلویزیونی رسماً از مردم آمریکا به دلیل شهادت دروغ عذرخواهی کند. همچنین ترامپ تنها رئیس جمهور آمریکاست که دو بار استیضاح او به جریان می‌افتد، بار اول به اتهام سوءاستفاده از قدرت و کارشکنی در امور کنگره و بار دوم به اتهام ایجاد شورش استیضاح او به جریان افتاد.

چارچوب نظری

نظام ریاستی قدرت که یک اصطلاح مدرن با مبانی و پیش‌فرض‌های خاص است در حقوق اساسی جمهوری مکانیزم قدرت مربوط به شکل و ساختار حکومت است نه ماهیت و محتوای آن و در نتیجه امری پویا، متغیر و متحول و تابع اقتضائات زمانی و مکانی است. علاوه بر این، تقسیم-

بندی نهادها و قوا مفید حصر است، چون توزیع قدرت و چگونگی چینش نهادها و قوا، مربوط به ساختار است، نه مشروعیت و ماهیت حکومت‌ها. اولین دولت مدرنی که بر پایه اصول لیبرالی بنیان نهاده شد، ایالات متحده آمریکا بود که در اعلامیه استقلال خود اعلام کرد: "تمام انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و توسط خالق شان از یک سری حقوق بهره‌مند شده‌اند، از جمله این حقوق: زندگی، آزادی و پیگیری سعادت و خوشبختی است" که یادآور این عبارات جان لاک است که از اهمیت بالایی در نظریه‌های وی برخوردار بودند: زندگی، آزادی و مالکیت است.

مفهوم استیضاح

پس از بحث درباره حق سوال و تذکر و بررسی ضمانت اجرای آن، به بررسی استیضاح که شدیدتر از دو حق بررسی شده پیشین است- پرداخته ایم. در این گفتار، پس از تعریف و تبیین ماهیت استیضاح، ما این قسم از ابزار نظارت سیاسی وزرا را، در دو نظام مشروطه و جمهوری اسلامی در بندهای جداگانه توضیح و تشریح داده و شالوده مقایسه اعمال این نوع ابزاری را بیان می‌داریم. استیضاح در لغت به معنای طلب وضوح کردن، طلب پیدایی، آشکار کردن و خواستن می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶: ۲۲۱۵) در عالم حقوق به مفهوم عزل و برکنار ساختن وزیر یا تمام کابینه و دولت است و آن یکی از مهمترین و مؤثرترین ابزار نظارتی مجلس در باز-خواست از وزرا درباره عملکرد آنهاست. (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۴۴) استیضاح دولت در حقوق اساسی کشورها، نشانه بارز پارلماناریزم بودن نظام سیاسی آن کشورها و نتیجه مستقیم مسئولیت سیاسی دولت در برابر پارلمان می‌باشد. (ابوالحمد، ۱۳۶۸: ۱۹۲) طرح استیضاح به خودی خود به مفهوم عزل مقام مورد استیضاح نمی‌باشد، بلکه اولین گام در این مسیر تلقی می‌شود و چنانچه در رأی‌گیری پس از توضیحات وی، به او رأی عدم اعتماد داده شود آن مقام برکنار می‌شود. فرق سؤال با استیضاح این است که، سؤال معمولاً در قبال ابهاماتی که برای نمایندگان مجلس ایجاد شده، می‌باشد، که آنان با دعوت از وزرا یا رئیس‌جمهور با طرح سوال ابهامات را از بین می‌برند؛ به دنبال آن، موضوع فیصله پیدا می‌کند ولی استیضاح در قبال خطاها و تخطی‌های قانونی وزیران با رئیس‌جمهور است که به دنبال آن ممکن است، موجبات عزل آنها از مقام خودشان فراهم شود. با توجه به این نکته می‌توان گفت شدیدترین اقدام نمایندگان مجلس علیه وزیر یا هیئت دولتی استیضاح است (مدنی، ۱۳۷۳: ۲۸۴) آئین استیضاح ابتدا در کشور انگلستان ظهور پیدا کرد. بررسی تحولات نهادهای سیاسی بریتانیا نشان می‌دهد که مسئولیت سیاسی وزرا در اصل تحول یافته مسئولیت جزایی وزیران بر پایه آئین تعقیب وزرا می‌باشد که از قرن ۱۶ سرچشمه گرفته است. (قاضی، ۱۳۷۷: ۵۲۹) نظر به اینکه استیضاح ضمانت اجرای بسیار قوی در

پی دارد و از لحاظ افکار عمومی بسیار مهم است، همواره به عنوان عامل قدرتمندی در جهت کنترل دولت توسط مجلس عمل می‌کند چرا که دولت به سبب جلوگیری از رویارویی با این ابزار قوی پارلمان تلاش خود را در راستای اجرای درست قوانین و تحقق خواسته‌های پارلمان دو چندان خواهد. (فریادی، ۱۳۸۷: ۸۵)

اختیارات رئیس جمهور و استیضاح آن در نظام ریاستی آمریکا

- مکانیسم قوه مجریه در آمریکا و اختیارات رئیس جمهور

تصمیمات رئیس‌جمهور ایالات متحده نه تنها بر زندگی ساکنان آن کشور، بلکه بر زندگی میلیون‌ها انسان در سرتاسر جهان، تأثیر می‌گذارد. (Morgenthau, 1968: 419-424) بنیان‌گذاران ایالات متحده با آمیختن قدرت رئیس‌جمهور و رهبر ملت، می‌خواستند نوعی حکومت ایجاد کنند که در آن رئیس‌جمهور مجریه ضمن همکاری با قوه مقننه بتواند در لحظات حساس تصمیمات جدی را به تنهایی بگیرد. (Greenberg, 1997: 395-396) چرا که رؤسای جمهور بایستی از لحاظ نظری نیاز به حمایت مردم نداشته باشند و تصمیمات خود را بدون توجه به افکار عمومی، که ممکن است هر لحظه تغییر کند، اتخاذ کنند. (McKeever, 1999: 292-293) اما در عمل رؤسای جمهور مجبور شده‌اند که تصمیمات عمده خود را با توجه به افکار عمومی بگیرند و به نهادهایی که افکار عمومی را می‌سازند (مثلاً رسانه‌های عمومی) توجه ویژه‌ای داشته باشند. (ریوام، ۱۳۶۵: ۱۲۵) با وجود قدرت فراوانی که قانون اساسی ایالات متحده در اختیار رئیس‌جمهور آن کشور قرار داده، قدرت رئیس‌جمهور مجریه از ۲۲۰ سال گذشته رو به افزایش بوده است.

هدف این فصل بررسی قدرت و عملکرد قوه مجریه در امریکاست.

- شرایط انتخاب شدن

اصل یکم قانون اساسی ایالات متحده، اختیارات قوه مجریه را در دست رئیس‌جمهور می‌گذارد و تأکید می‌کند که وی برای مدت ۴ سال به این مقام برگزیده می‌شود. در قانون اساسی محدودیتی برای انتخاب رئیس‌جمهور وجود ندارد. با این همه، جرج واشینگتن، بنیانگذار اصلی ایالات متحده و نخستین رئیس‌جمهور آن کشور، پس از اتمام دومین دوره ریاست جمهوری خود را برای سومین بار دوره نامزد کرد، این مسئله به صورت سنت درآمد. تنها استثنا در این مورد فرانکلین روزولت بود که برای چهار دوره متوالی (۱۹۳۲-۱۹۴۵) به ریاست جمهوری رسید. (امجد، ۱۳۸۳: ۷۱)؛ (Ferguson, 1967: 310) طی دوران ریاست جمهوری ترومن مباحث زیادی در ایالات متحده در خصوص ضرورت محدود کردن ریاست جمهوری به دو دوره مطرح شد و سرانجام بر اساس متمم بیست و دوم قانون اساسی ایالات متحده که در سال ۱۹۵۱ به تصویب

رسید، ریاست جمهوری به دو دوره محدود شد. بند یکم از این متمم صراحتاً^۲ اعلام می‌کند که هیچکس بیش از دو بار به ریاست جمهوری انتخاب نخواهد شد، و هرکس بیش از دو سال وظایف ریاست جمهوری فرد دیگری را به عهده بگیرد، بیش از یکبار به سمت ریاست جمهوری انتخاب نخواهد شد. (جی، کلاسکی، ۲۵۳۵: ۲۲۰-۲۴۴)

- شرایط انتخاب شدن برای ریاست جمهوری

اصل دوم قانون اساسی ایالات متحده شرایط انتخاب رئیس جمهور، و قدرت، اختیارات و امتیازات او را مشخص کرده است. فردی که خود را برای مقام ریاست جمهوری نامزد می‌کند باید متولد امریکا بوده، ۳۵ ساله یا مسن‌تر باشد و حداقل از ۱۴ سال پیش از انتخابات در ایالات متحده ساکن باشد. موضوع اخیر باعث می‌شود که بازرگانان، و یا کارکنان موسسات بازرگانی خارجی و کارکنان وزارت امور خارجه امکان کمتری برای رسیدن به ریاست جمهوری بیابند.

تا سال ۱۸۰۴ که متمم قانون اساسی ایالات متحده به تصویب رسید، از بین نامزدهایی که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده بودند کسی که حائز اکثریت آراء بود به ریاست جمهوری و نفر دوم به معاونت برگزیده می‌شدند. از این تاریخ به بعد رأی دهندگان اجازه یافتند رئیس جمهور و معاونش را جداگانه انتخاب کنند. در این متمم تأکید شده بود که رئیس جمهور و معاون وی باید از دو ایالت متفاوت باشند و هر کدام از آنها باید مشخص کنند که برای کدام مقام خود را نامزد می‌کنند.

- اختیارات رئیس جمهور در قانونگذاری

با اینکه قانون اساسی ایالات متحده طرح لوایح قانونی را جز وظایف رئیس جمهور قرار نداده بود، در حال حاضر رئیس جمهور ایالات متحده که پیشنهاد دهنده اصلی قوانین^۲ است بیشترین سهم را در تنظیم لوایح به عهده دارد. (Ferguson, 1967: 309-312) بخش سوم اصل دوم قانون اساسی، رئیس جمهور را موظف می‌کند در سخنانی سالانه خود در برابر کنگره گزارشی از اوضاع کشور بدهد و رهنمودهایی در مورد کارهایی که برای کشور ضروری می‌داند ارائه کند. (جی، کلاسکی، ۱۳۸۳: ۸۹)

رؤسای جمهور ایالات متحده به تدریج قدرت خود را در مقابل کنگره تقویت کرده‌اند و اکنون کنگره رئیس جمهور را پیشنهاد دهنده اصلی می‌شناسد. عمده‌ترین کاری که رئیس‌جمهور در زمینه قانونگذاری انجام می‌دهد اشاره به برنامه‌هایی است که در پیام سالانه کنگره می‌دهد. البته کنگره ملزم نیست آنچه را رئیس جمهور در پیام سالانه به آن اشاره می‌کند در دستور کار خود قرار دهد؛

²-chief legislator

اما در بیشتر موارد این کار را می‌کند. (Dye, 1999: 401-403) رئیس‌جمهور علاوه بر پیام سالانه، گزارش سالانه اقتصادی و طرح بودجه را برای کنگره می‌فرستد. در این دو گزارش وضعیت اقتصادی و اولویت‌ها، پیشنهاد رئیس‌جمهور را بررسی می‌کند و چنانچه با آن موافق باشد آن را تصویب می‌کند. البته رؤسای جمهور معمولاً با مخالفت‌های کنگره روبه‌رو می‌شوند. برای حل این مشکل رؤسای جمهور از روش‌های مختلفی برای تأثیرگذاری بر نمایندگان مخالف استفاده می‌کنند (مانند نامه‌نویسی، فرستادن پیام و تماس تلفنی با اعضای کنگره). بعضی از رؤسای جمهور با توجه به سرسختی نمایندگان مخالف، سعی می‌کنند با جلب نظر مردم از آنها برای تحت فشار گذاشتن کنگره، استفاده کنند. روزولت با توجه به سرسختی کنگره در ارتباط با برنامه‌های اصلاحی-اش، مردم را مستقیماً وارد گود مبارزه علیه دستگاه قانونگذاری امریکا کرد. رویکرد روزولت در این مورد از برنامه رادیویی (گپهای دور کرسی) بود که توجه بیشتر مردم را به مسائل جاری جلب کرد و در نهایت از برنامه‌های اصلاحی‌اش حمایت شد. این تاکتیک را بعدها رؤسای جمهور دیگر، به خصوص ریگن به کار گرفت. البته رئیس‌جمهور معمولاً معاون یا دستیاران خود را برای مذاکره با کنگره می‌فرستد تا زمینه موفقیت طرح‌هایش را فراهم کنند. به طور کلی آنچه را رئیس‌جمهور برای پیشبرد کارها ضروری می‌داند، سرانجام در کنگره به صورت لایحه در می‌آید و زمینه تصویب آن فراهم می‌شود. (Jones, 1990: 18-22) عاملی که رئیس‌جمهور را در مقابله با کنگره تقویت می‌کند، میزان آراء اوست. یعنی چنانچه رئیس‌جمهوری با ۶۰٪ آراء یا بیشتر انتخاب شده باشد (یعنی با اکثریت قاطع آراء) موقعیتش در برابر کنگره تثبیت شده به نظر می‌رسد و در پیش بردن کارهایش موفق‌تر از رئیس‌جمهوری خواهد بود که با آراء کمتری پیروز شده است. این امر ابتدا قطعیت ندارد و بستگی به قاطعیت رئیس‌جمهور، همکاری اعضای کنگره، بحران‌های اقتصادی و بین‌المللی و غیره دارد. در این مورد رؤسای جمهور ضعیفی مانند روتر فورد^۳، ویلیام تفت^۴ و وارن هاردینگ^۵ با وجود همکاری کنگره، در گذراندن لوایحشان با مشکلات فراوانی روبه‌رو بودند.

رؤسای جمهور قدرتمندی مانند آبرهام لینکلن، تئودور روزولت و فرانکلین روزولت نیز به رغم آنکه رؤسای جمهور توانمندی بودند به علت مسائل عدیده‌ای که با آن رو به رو بودند، روابطشان با کنگره بسیار بحرانی بود. به همین جهت تئودور روزولت نتوانست در برنامه ضد تراست خود موفق شود و فرانکلین روزولت نیز برای مبارزه با مخالفت‌های کنگره مجبور شد ۳۲۵ لایحه را وتوی

³-Rutherford Hays

⁴-William Taft

⁵-Warren Harding

قانونی کرده و ۲۶۳ عدد از آنها را وتوی تأخیری کند. (Dye, 1999: 405-406 pp)

لینکلن نیز مجبور شد برای امحای برده‌داری بدون مشورت با کنگره پس از اعلان حالت فوق‌العاده و استفاده از مقام خود به عنوان فرمانده کل قوا دست به این کار بزند. سبک ریگن بسیار جالب بود؛ از آنجا که او با اکثریت قاطع آراء برنده شده بود و از محبوبیت فراوان در میان مردم برخوردار بود و برای تصویب لایحه‌های مورد نظر خود مردم را مستقیماً مخاطب قرار می‌داد و آنها را وادار به رودرویی با کنگره می‌کرد.

در این زمینه موفق‌ترین رئیس قوه مجریه در تاریخ ایالات ممتحده لیندن جانسن است. او که در ضمن ۳۰ سال خدمت در کنگره توانسته بود با ساختار کنگره، کمیته‌های تخصص و فرعی و نیز با خصلت‌های تک تک نمایندگان آشنایی دقیقی به دست آورد، از روش‌های مختلفی برای پیشروی‌های خود استفاده می‌کرد. روش‌های او در برابر نمایندگان مخالف از عکس گرفتن با آنها تا دعوت از آنها در مهمانی‌های کاخ سفید، التماس و گریه کردن و غیره را شامل می‌شد. به همین دلیل وی در زمینه سیاست داخلی و خارجی همواره از حمایت کنگره برخوردار بود. مهارت‌های فوق‌العاده جانسن در رام کردن کنگره باعث شد برخی از پژوهشگران از وی با تعبیر ((جادوگر قانونگذاری)) یاد کنند. (Craft, 1967: 157) مهمترین منبع قدرت رئیس‌جمهور داشتن حق وتو است. بدون امضای رئیس‌جمهور مصوبات کنگره جنبه قانونی نمی‌یابد.

- رئیس‌جمهور به عنوان رئیس ملت

رئیس‌جمهور ایالات متحده، صرف‌نظر از اینکه به کدام حزب تعلق دارد همانند پادشاهان انگلستان و ژاپن، یا رؤسای جمهور آلمان و سوئیس مظهر یکپارچگی کشور و نماینده کل ملت است. در این حالت کلینتون به همان اندازه نماینده جامعه امریکاس که ریگن یا فرانکلین روزولت، بدون توجه به ابعاد شخصی، اخلاقی، یا وابستگی آنها. در این مسئولیت رئیس‌جمهور سفرای کشور-های خارجی را به حضور می‌پذیرد و با رؤسای جمهور و پادشاهان ملاقات می‌کند.

رئیس‌جمهور نخستین توپ آغاز فصل بیس بال را پرتاب می‌کند و به قهرمانان ملی مدال می‌دهد. در زمان فاجعه‌های ملی مانند حمله پرل هاربر، حادثه انفجار ساختمان فدرال در اوکلاهما^۶، یا انفجار مرکز دوقلوی تجارت جهانی نیویورک، رؤسای‌جمهور باعث تسلاهی خاطر و اطمینان مردم به نظام حکومتی‌شان می‌شوند. با توجه به اینکه حس وطن پرستی در بین امریکایی‌ها تا سرحد افراط است، می‌توان به اهمیت رئیس‌جمهور به عنوان رئیس ملت پی برد. علاقه مردم به رئیس‌جمهوری و حمایت از وی در مواقع بحرانی بیشتر می‌شود و زمینه محبوبیتش را فراهم می‌سازد.

⁶-Oklahoma

جرج بوش (۱۹۸۸-۱۹۹۲) رئیس جمهور ضعیفی بود، و به عنوان ((بچه ننه))^۷ شناخته می‌شد، در دوران جنگ دوم خلیج فارس به قهرمان ملی تبدیل شد و محبوبیتش به سرعت بالا رفت، اما چون نتوانست بحران اقتصادی سال ۱۹۹۱ را مهار کند، از رقیب تازه کار و ناشناخته‌ای مانند کیلنتون شکست خورد. بحران امنیت در ایالات متحده، پس از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، باعث شد جرج دبلیو. بوش که به طور شبه برانگیزی به ریاست جمهوری رسیده بود، بتواند با بسیج کردن ملت و کنگره پشت سر خویش، خود را به عنوان رئیس ملت تثبیت کند. بوش کوشید تا با بحران آفرینی‌های پیاپی، ادعای اینکه صلح جهانی مورد تهدید است و برانگیختن حس غرور امریکایی‌ها، احتمال پیروزی خود را در انتخابات سال ۲۰۰۴ بیشتر کند.

- رئیس جمهور به عنوان فرمانده کل قوا^۸

اصل دوم قانون اساسی تأکید می‌کند که رئیس جمهور فرمانده نیروی زمینی، دریایی و نیروهای شبه نظامی است. پس از اختراع هواپیما، حتی بدون افزودن متممی دیگر بر قانون اساسی، همگان پذیرفتند که رئیس جمهور در عین حال فرمانده نیروی هوایی و در حقیقت فرمانده کل نیروهای مسلح است. این اختیارات قدرت فوق‌العاده‌ای به رئیس جمهور می‌دهد. البته اصل دوم قانون اساسی اختیارات جنگی را بین رئیس جمهور و کنگره تقسیم کند. کنگره مسئول اعلان جنگ و تأمین منابع مالی برای تشکیل نیروهای مسلح و جنگ است، ولی رئیس جمهور فرماندهی مستقیم نیروهای مسلح را بر عهده دارد.

رؤسای جمهوری از زمان جرج واشینگتن تاکنون سعی کرده‌اند در مقام فرمانده نیروهای مسلح نقش اصلی را در جنگ بازی کنند و تنها وظیفه اعلان جنگ را (چنانچه لازم باشد) در اختیار کنگره قرار دهند. از ۲۰۰ جنگ ایالات متحده از سال ۱۷۸۹ تاکنون تنها ۵۰ بار کنگره رسماً اعلان جنگ کرده و هر بار پس از اینکه رئیس جمهور به طور مستقیم یا غیرمستقیم نیروهای مسلح را درگیر کرده است. نیروهای مسلح امریکا در جنگ ویسکی در سال ۱۷۹۴ (که در آن فروشندگان و مصرف کنندگان مشروبات الکلی برای اعتراض به وضع مالیات بر مشروبات الکلی دست به شورش زده بودند) سنت آغاز جنگ بدون جلب نظر کنگره را پایه‌ریزی کرد. (-Rienow, 1959:157) از جنگ‌های مهم ایالات متحده که بدون کسب اجازه از کنگره صورت گرفته است، می‌توان از درگیری‌های نیروهای مسلح امریکا در زمان جیمز پالک^۹ با نیروهای مکزیکی، اعزام

⁷-Whimp

^۸ - به نقل از کتاب سیاست و حکومت در ایالات متحده، امجد محمد، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳

⁹-James Polk

نیرو به کره در زمان ترومن، درگیر کردن نیروهای مسلح ایالات متحده در ویتنام در زمان جانسن، هجوم به کامبوج در زمان نیکسن، حمله به گرانادا در زمان ریگن و حمله به پاناما در زمان جرج بوش نام برد. اینها جدا از عملیات مخفی است که به دستور رؤسای جمهوری ایالات متحده برای سرنگونی حکومت‌های دیگر کشورها صورت گرفته است. استفاده بی دلیل رؤسای جمهوری ایالات متحده از نیروهای مسلح علیه کشورهای خارجی، عکس‌العمل‌های شدید کنگره را در پی داشته است، اما رؤسای جمهور همواره توانسته‌اند با تمسک به موفقیت مأموریت‌های نظامی نیروهای مسلح آمریکا، فعالیت‌های خود را توجیه کنند. شکست برنامه‌های ایالات متحده برای به زانو در آوردن ویت کنگ‌ها و توسعه جنگ در کامبوج، علی‌رغم مخالفت کنگره با آن، باعث شد که کنگره در سال ۱۹۷۳ قانون اختیارات جنگی را به تصویب رساند. این قانون که علی‌رغم وتوی نیکسن به تصویب رسید، رئیس جمهور را موظف می‌کند که ظرف ۴۸ ساعت پس از درگیری نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا، کنگره را در جریان این کار بگذارد. به علاوه فرمانده کل نیروهای مسلح مکلف است که ظرف ۶۰ روز نیروهای مسلح را به کشور بازگرداند و ادامه فعالیت آن تنها با رأی موافق کنگره امکانپذیر است. (Vile, 1999:126)

استیضاح در نظام ریاستی

۱- در این نظام، حاکمیت ملی به طور متساوی بین دستگاه‌های مربوط به قوا تقسیم شده است که در آن مردم نمایندگان خود را طی انتخابات عمومی برای تشکیل پارلمان انتخاب کرده و بار دیگر رئیس‌جمهور را در انتخابات عمومی دیگری تعیین می‌نمایند؛ به این ترتیب حاکمیت ملی در دو نوبت تجلی می‌کند و کارگزاران دو قوه به ظاهر در یک سطح قرار گرفته، به طور مساوی دارای پشتوانه سیاسی و آرای عمومی هستند. پس منطقی است که هیچ کدام از دو قوه مقننه و مجریه نتوانند دوره کار کرد یکدیگر را که بر مبنای قانون اساسی از یک سو و اراده مردم از سوی دیگر شکل گرفته است، از راه انحلال یا سقوط کوتاه کنند. نه قوه مجریه قادر است پارلمان را منحل کند و نه قوه مقننه می‌تواند رئیس‌جمهور و وزرای همکارش را وادار به کناره‌گیری نماید. در مورد تفکیک مطلق قوا در نظام ریاستی که مشخص‌ترین آن الگوی ایالات متحده امریکاست، استثناهایی به چشم می‌خورد. در این رابطه قوه مجریه به طرق ذیل بر قوه مقننه تاثیر می‌گذارد. رئیس‌جمهور پیام‌های سالانه به کنگره فرستاده، ضمن آن تصویب قوانین خاصی را پیشنهاد می‌کند یا اینکه استراتژی قانونگذاری را به صورت کلی ارائه می‌نماید. پارلمان در قبول یا رد این پیشنهادها مخیر است ولی تاثیر پیام مذکور در نحوه تصمیم‌گیری کنگره انکارناپذیر است. ۲- رئیس‌جمهور برای یک بار نسبت به هر یک از مصوبات کنگره حق وتوی تعلیقی

دارد؛ یعنی می‌تواند مصوبه کنگره را امضا نکند و با ذکر دلایل به کنگره عودت دهد اما مجالس فوق نیز می‌توانند همان مصوبات و تو شده را با اکثریت دو سوم تصویب کرده و تو شده را با اکثریت دو سوم تصویب کرده و وتوی رئیس جمهوری را کان لم یکن سازند. ۳- همچنین قوه مقننه امریکا بر قوه مجریه بدین شرح تاثیر می‌گذارد برخی از امور اجرایی از جمله انتصاب کارکنان عالی مقام اجرایی و دیپلماتیک مانند وزیران، سفیران، کنسول‌ها و اعضای دیوان عالی فدرال باید با تایید مجلس سنا این کار صورت گیرد.

یو پی میری لاش و کوم می از روش‌های نظارت پارلمان بر کار قوه مجریه و مالا تاثیرگذاری بر آن، چند و چون کردن در عملکردهای اجرایی آن قوه است. بررسی‌های پارلمانی در امریکا یا توسط کمیسیون‌های دائمی یا کمیسیون‌های فرعی اختصاصی به نام کمیته‌های تحقیق کنگره صورت می‌گیرد. حق بررسی پارلمان بر این اندیشه استوار است که مجالس باید بتوانند در جریان کلیه امور مربوط به قوه مجریه قرار گیرند ولی چون وزیران به مناسبت تفکیک کامل قوا در پارلمان حضور ندارند و از سوی دیگر ابزارهای سؤال و استیضاح نیز در اختیار پارلمان نیست تا بتوانند بر نحوه عملکرد دستگاه‌های اجرایی اشراف پیدا کنند، پس الزاما این اطلاعات باید وسیله تحقیق و اطلاعات دیگری در دسترس کنگره باشد. در امریکا کمیسیون‌های ویژه تحقیق اختیارات فوق‌العاده‌ای دارند و می‌توانند از کلیه کسانی که لازم است از آنان اطلاعاتی کسب شود، دعوت به عمل آورند که در صورت سرپیچی از حضور در کمیسیون مشمول مجازات واقع می‌شوند.

استیضاح رئیس جمهور آمریکا

رئیس‌جمهور از رأی مردم مشروعیت می‌یابد و وی به کنگره جوابگو نیست. لیکن برای انتخاب وزرای خود نیاز به کسب آراء مثبت دو سوم سناتورها دارد. بعلاوه بودجه کشور باید به تصویب مجلس نمایندگان برسد و به‌همین دلیل رئیس‌جمهور همواره باید دیدگاه و مواضع نمایندگان ملت را مدنظر قرار دهد.

حق استیضاح رئیس‌جمهور (روند استیضاح در ایالات متحده آمریکا) نیز یکی دیگر از مواردی است که کنگره می‌تواند نظارت خود را بر رئیس‌جمهور اعمال کند. در صورت تخلف آشکار رئیس‌جمهور از قوانین، طرح استیضاح در مجلس نمایندگان مطرح می‌شود. رئیس‌جمهور را محاکمه خواهد کرد. پس از شنیدن دفاعیات رئیس‌جمهور، سناتورها تشکیل جلسه می‌دهند و نظر خود را در خصوص اتهامات وارده به رئیس‌جمهور اعلام می‌کنند. اگر وی نتواند رای اکثریت سناتورها را جلب کند، محکوم شده و از سمت خود عزل می‌شود.

بنیان‌گذاران و نویسندگان اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا و قانون اساسی ایالات متحده

آمریکا به دلیل نگرانی از ظهور نظام سلطنتی اروپایی که در آن پادشاه قدرت مطلق را در دست داشت. نظام سیاسی جدید خود را به گونه‌ای طراحی کردند که در آن فرد یا نهادی نتواند قدرت مطلق بدست آورد.

در مقابل نظارت کنگره بر رئیس جمهور، رئیس قوه مجریه نیز از حق و توی مصوبات قوه مقننه (وتوی مصوبات کنگره در ایالات متحده آمریکا) برخوردار است و می‌تواند هر یک از مصوبات مجلس نمایندگان و سنا را رد نماید. این امر سبب می‌شود نمایندگان کنگره نتوانند برخلاف مصالح عمومی جامعه تصمیم‌گیری نمایند و از این طریق از ظهور "دیکتاتوری اکثریت" جلوگیری به عمل می‌آید. (دادنامه مهر، ۱۳۸۹: ۵۹) اما در عین حال حق و توی رئیس جمهور نامحدود نیست و کنگره می‌تواند با کسب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس نمایندگان و سنا وتوی رئیس جمهور را باطل نماید. بدین ترتیب راه برای کارشکنی رئیس جمهور بسته خواهد شد. هر چند که کنگره به دلیل ساختار دوحزبی خود و حضور اقلیت پر قدرت قادر نیست همواره برای ابطال وتوهای رئیس جمهور، آراء دو سوم مجموع نمایندگان را کسب نماید و همین امر مانع عمده‌ای بر سر ابطال وتوها ایجاد می‌کند که خود نوعی توازن را میان قوه مجریه و قوه مقننه بوجود می‌آورد.

- استیضاح رییس جمهور از جانب قوه مقننه

رییس جمهور با هر یک از مقامات دولت فدرال، اگر مرتکب تخلف قانونی شوند، کنگره می‌تواند آنان را استیضاح نماید. ابتدا موضوع تخلف قانونی در مجلس نمایندگان مطرح و اگر دو سوم نمایندگان مجلس اتهام تخلف را پذیرفتند، موضوع به سنا ارجاع داده می‌شود و در سنا دادگاهی تشکیل می‌شود که ریاست آن بر عهده رییس دیوان عالی فدرال خواهد بود. در پایان جلسات محاکمه سنا، اگر سناتورها با اکثریت آراء به محکومیت رییس جمهور یا دیگر مقامات دولت فدرال رای مثبت دهند، آن فرد برکنار خواهد شد. (Robert Mc Keever, 1999: 320-323) نقش کنگره در سیاستگذاری از اهمیت بیشتری برخوردار است. به طوری که بعد از عقب نشینی از ویتنام به طور فعالانه‌ای در صدد تعیین سیاست‌های مختلف و رویه‌های سیاستگذاری بر آمد که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. (ویتکف، ۱۳۸۲: ۶۰۱)

در سال ۱۹۷۴ کنگره وتوی رئیس جمهور نیکسون را رد کرد تا قطعنامه اختیارات جنگ به قانون تبدیل شود، به این صورت که رییس جمهور ملزم می‌گردید قبل از اعزام سربازان به خارج از مرز با کنگره مشورت نماید و در همان سال از دادن اجازه به رییس جمهور برای اعطای امتیاز دولت کامله الوداد به اتحاد شوروی، با مشروط کردن آن به مهاجرت یهودیان شوروی امتناع ورزید. - در سال ۱۹۸۲ کنگره وزارت دفاع و سیا را از اعطای اعتبار به منظور سرنگون ساختن حکومت

حکومت نیکاراگوئه محروم ساخته.

- در سال ۱۹۸۶ وتوی رییس‌جمهور را رد کرد تا تحریم اقتصادی در مورد آفریقای جنوبی را برقرار کند.

وظایف رئیس‌جمهور در ایران

از اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل‌های ۶۰، ۱۱۰ و ۱۱۳) چنین استنباط می‌شود که قوه مجریه در ایران دو ریاستی است. یکی رهبر و دیگری رئیس‌جمهور. رهبر، رئیس دولت به معنای اعم، یعنی رئیس حکومت و رئیس‌جمهور، رئیس دولت به معنای اخص یعنی رئیس هیأت وزیران است. هر کدام از این دو دارای شخصیت حقوقی متمایز از هم و برخوردار از وظایف و اختیارات جداگانه است. ریاست رئیس‌جمهور در طول و امتداد ریاست رهبر است. رئیس‌جمهور پس از مقام رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور است که عهده‌دار دو وظیفه اصلی است؛ یعنی مسئول اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه به جز مواردی که مستقیماً به رهبری مربوط است (۱۱۳). شرایط کاندیدای ریاست جمهوری عبارتند از: رجال سیاسی، مذهبی، ایرانی‌الاصل، تابعیت ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه، امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور. (۱۱۵) دوره ریاست جمهوری چهار سال است و به صورت متوالی، تنها برای یک دوره دیگر بلامانع است. از جمله وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور موارد زیر است:

- مسئولیت در قبال مردم، رهبر و مجلس در حدود و وظایف و اختیارات خود (۱۲۲).
 - امضای مصوبات مجلس و نتایج همه‌پرسی (۱۲۳).
 - امضای موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی (۷۷، ۱۲۵).
 - مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی (۱۲۶).
 - امضای استوارنامه سفرها و تعیین آنها (۱۲۸).
 - تعیین و معرفی وزیران به مجلس (۱۳۳).
 - ریاست هیأت وزیران (۱۳۴).
 - ریاست شورای عالی امنیت ملی (۱۷۶).
 - عضویت در شورای موقت رهبری (۱۱).
 - عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی (۱۷۷) و
- یکی از زیرمجموعه‌های قوه مجریه، هیأت وزیران است که ریاست آن با رئیس‌جمهور و معاون اول وی است. وظایف و اختیارات هیأت وزیران در اصل‌های ۵۲، ۷۴، ۷۹، ۸۹، ۱۳۸ و ... آمده است.

اختیارات رئیس جمهور و استیضاح آن در نظام نیمه ریاستی جمهوری اسلامی

- پذیرفتن استیضاح رئیس جمهور فقط در مقام مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی

بند دوم اصل ۸۹ قانون اساسی موضوع استیضاح رئیس جمهور را بیان کرده است، مقرر می-

دارد:

در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی مورد سؤال قرار دهند ... در اینجا، این سؤال مطرح می شود که آیا رئیس جمهور بجز مدیریت قوه مجریه و به عبارت دیگر، ریاست قوه مجریه وظایف و اختیارات دیگری نیز بر عهده دارد که ایجاد کننده یک مقام و جایگاه دیگر برای رئیس جمهور باشد؟ این اصل به صراحت، بر اعطای دو شأن و جایگاه برای رئیس جمهور دلالت دارد، به گونه ای که استیضاح رئیس جمهور را در مقام مدیریت و ریاست بر قوه مجریه قابل طرح می داند، ولی در جایگاه عالی ترین مقام رسمی پس از رهبری، آن را قابل طرح نمی داند و حتی پس از استیضاح، تنفیذ این امر را به عهده رهبری واگذار می کند. ممکن است بسیار مفید است. پس همان گونه که مشاهده می شود، قانون اساسی برای رئیس جمهور دو شأن قابل شده است «ریاست قوه مجریه و عالی ترین مقام رسمی کشور پس از رهبری». اینکه اصل ۱۱۳ رئیس جمهور را عالی ترین مقام رسمی کشور پس از رهبر و بالاتر از رؤسای سایر قوا می داند و در اصل ۸۹ استیضاح را فقط در ریاست قوه مجریه قابل طرح می داند، به صراحت نشان از پذیرفتن دو شأن و جایگاه برای رئیس جمهور دارد.

قانون اساسی ج.ا.ا برای رئیس جمهور دو شأن و جایگاه قایل شده است: «ریاست قوه مجریه» (اصول ۹۰ و ۱۹۳)، و عالی ترین مقام رسمی کشور پس از رهبری «اصل ۱۱۳». در جایگاه نخست، رئیس جمهور ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد و هریک از قوا بر اساس اصل استقلال قوا وظیفه خود را انجام می دهد، و در جایگاه دوم، رئیس جمهور به عنوان عالی ترین مقام پس از رهبری، بر دو قوه دیگر در ایفای مسئولیت اجرای قانون اساسی نظارت می کند تا از اصول قانون اساسی تخطی صورت نگیرد (مهرپور، ۱۳۸۰: ۴۷) همانگونه که قبلاً بیان گردید، این نظارت مخالف استقلال قوا نیست.

- عالی ترین مقام رسمی پس از رهبری

اصل ۱۱۳ بیان می دارد: پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است.

این عبارت به صراحت، جایگاه رئیس جمهور را پس از مقام رهبری، عالی ترین مقام رسمی و بالاتر از رؤسای دو قوه دیگر معرفی می نماید. در واقع، مفروض بودن دو شأن و جایگاه برای رئیس-جمهور به صراحت، در این اصل قابل مشاهده است. (امامی و استوارسنگری، ۱۳۸۸: ۶) شاید در

مقابل، گفته شود: با اصلاحات سال ۱۳۷۸ و حذف پست نخست وزیری و انتقال اختیار تنظیم روابط قوای سه گانه به رهبری، این اصل نیز تلویح معنای خود را در این شأن و جایگاه از دست می‌دهد. ولی باید توجه داشت که مقنن اساسی، چه در سال ۱۳۵۸ و چه در سال ۱۳۷۸ به امر تفکیک نسبی قوا و ایجاد شبکه‌ای متعادل از نظارت‌ها بین قوای سه‌گانه توجه داشته است و بدین منظور نیز رئیس جمهور را عالی‌ترین مقام رسمی پس از رهبری قرار داده، تا قوه مزبور بتواند با استفاده از ابزار تعیبه شده در این اصل، به نظارت بر دیگر قوا بپردازد.

- استیضاح با دو سوم آرا و قدر مابین قوای مقننه و مجریه

مجلس ایران می‌تواند با پیشنهاد یک سوم نمایندگان، رئیس‌جمهور را استیضاح کند و با رای دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت او رای دهد و جهت امضا به اطلاع رهبر برساند. در ایران شرط خیانت بزرگ برای استیضاح ذکر نشده است. مجلس می‌تواند به پیشنهاد ۱۰ نماینده، وزیران را استیضاح کند و برای عدم اعتماد به آنها بدهد. نمایندگان مجلس ایران نمی‌توانند پیشنهادی که منجر به کسر در آمد یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود را مطرح کنند. با مراجعه به نصوص قانونی، متوجه برتری پارلمان بر قوه مجریه می‌شویم تا جایی که پارلمان از حق کوتاه کردن عمر کابینه نیز برخوردار است ولی در عمل، بسیاری از مواقع این حق بر روی کاغذ باقی می‌ماند و قابلیت اجرایی نمی‌یابد. زیرا رئیس‌جمهور مستظهر به رأی مستقیم ملت است و ای بسا رأی یک فرد مانند رئیس‌جمهور از رأی کل اعضای پارلمان بیشتر باشد مثلاً اگر کل شرکت‌کنندگان در یک انتخابات را ۴۰ میلیون نفر در نظر بگیریم، با ملاحظه اینکه پیروز انتخابات ریاست جمهوری، با اکثریت مطلق آرای شرکت‌کنندگان در انتخابات و پیروز مجلس، با اکثریت یک پنجم آرا خواهد بود کسی رئیس‌جمهور است که در بدترین حالت حداقل بیست میلیون و یک رأی، داشته باشد. اما اعضای پارلمان در کلیت خود، با یک پنجم گل آرا یعنی با هشت میلیون رأی هم می‌توانند پیروز انتخابات باشند، یعنی ممکن است شخص رئیس‌جمهور، بیش از دو برابر کل آرای اعضای پارلمان، رأی داشته باشد، بنابراین احتمال مقاومت رئیس‌جمهور در مقابل پارلمان شایان توجه است. برای مثال اگر رئیس‌جمهوری که تازه رأی آورده است بخواهد از مصوبات مجلس طفره برود چه خواهد شد؟ پارلمان چگونه می‌خواهد او را وادار به تبعیت کند، با فرض اینکه رئیس‌جمهور، استیضاح هم شود احتمال اینکه طرفدارانش دوباره رأی بیاورند بالا خواهد بود و در این صورت همان سیاست قبلی ادامه پیدا می‌کند.

از طرف دیگر استیضاح دولت و اعضای آن در عمل به این سادگی‌ها نیست و هزینه‌های زیادی را به پارلمان و نمایندگان آن تحمیل می‌کند. مثلاً دولت می‌تواند از همکاری با نماینده مخالف

در حوزه محلی وی سرباز زند و به این ترتیب نماینده مذکور را در چشم مردم محلی بی اعتبار کند تا بدین سان برای رای آوری این فرد را در دوره بعدی دچار آسیب جدی کند، یا برعکس، وکیل الدوله شدن، این حسن را داشته باشد که نفوذ و قدرت نماینده را در مقامات دولتی افزایش دهد و به همین ترتیب مقبولیت عامه و محلی وی افزایش یابد. در نظام‌های ریاستی مانند آمریکا اگر چه رئیس‌جمهور دارای اختیارات زیادی است. در نهایت، نوعی تفکیک وظایف میان کاخ سفید و کنگره وجود دارد، اما در جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی نیز اختیارات نظارتی زیادی دارد، در حالی که دولت اساساً برآمده از مجلس نیست و به همین دلیل ممکن است عملاً در برابر قوانینی که موافق خواست و نظرش نباشد، مقاومت کند یا از اجرای آن سرباز زند. (خلیل نژاد و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۶) در کل باید اذعان نمود که استضاح رئیس‌جمهور در جمهوری اسلامی تنها به اراده دو سوم از نمایندگان مجلس بستگی داشته و می‌تواند بدون گذراندن فرایندهای تحقیق گسترده مانند سیستم ریاستی و تنها با مشاهده وضعیت اداره دولت و وضعیت اقتصادی جامعه رئیس‌جمهور را استیضاح نمایند.

نتیجه گیری

از بررسی اجمالی توزیع و تقسیم قدرت از جهت ساختار سیاسی و نظام ریاستی در دو کشور ایران و آمریکا، نتایج ذیل به دست می‌آید:

نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا از نوع تفکیک مطلق قوا و ریاستی است.

ساخت قدرت به صورت فدرالیسم شکل گرفته است؛ به این معنا که قدرت بین حکومت مرکزی و ایالت‌های پنجاه‌گانه تقسیم شده است. در مرحله بعد، قدرت در حکومت فدرال و هر یک از ایالت‌ها بین سه قوه توزیع گردیده و به صورت خردتر در ایالت‌ها و حکومت‌های محلی پخش شده است.

- در این کشور، به ویژه در سطح فدرال، سه قوه در عرض هم‌اند و هیچ کدام نمی‌توانند مانع فعالیت دیگری و یا باعث انحلال آن شوند.

- قوه مجریه در قبال قوه مقننه پاسخگو و مسئول نیست و حوزه صلاحیت هر کدام از سه قوه را قانون اساسی و متمم‌های ۲۷گانه آن مشخص کرده‌اند.

- مهار و کنترل قدرت در الگوی آمریکایی، مهار بیرونی و حقوقی است.

در ایران با توجه به اینکه در اسلام و از جمله جمهوری اسلامی ایران، توزیع قدرت و چگونگی ترکیب‌بندی نهادها و قوا مربوط به شکل و ساخت حکومت است، نه ماهیت و مشروعیت آن و در نتیجه امری پویا، متحول و متغییر است، نکات ذیل قابل توجه است:

- شکل حکومت، سلسله مراتبی و هرمی است و در رأس هرم، ولی فقیه قرار دارد.
- در این الگو، هر گونه تصمیم‌گیری تقنینی، قضایی و اجرایی در نهایت به گونه‌ای به ولی فقیه به عنوان قوه چهارم منتهی می‌گردد.
- از نظر شکل، الگوی توزیع قدرت در جمهوری اسلامی ایران در قالب چهار محور، یعنی نهاد رهبری، قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه قابل بررسی است؛ در حالی که در آمریکا از این جهت توزیع قدرت، در قالب سه قوه خلاصه می‌شود.
- توزیع و تفکیک قدرت در ایران از جهتی عرضی (سه قوه نسبت به هم) و از جهتی طولی (سه قوه نسبت به رهبر) است، ولی در آمریکا سه قوه در عرض هم هستند.
- در الگوی توزیع قدرت در ایران، نهاد رهبری به عنوان یک قوه برتر، مافوق سه قوه است که تنظیم‌کننده روابط قوا نیز هست، ولی در آمریکا مقام مافوق سه قوه وجود ندارد. قوه مافوق در ایران تحت نظارت و کنترل است: هم مهار و کنترل درونی و هم بیرونی.
- در الگوی ایرانی هم استقلال قوا به رسمیت شناخته شده است و هم ارتباط آنها با هم، ولی در آمریکا چون از نوع تفکیک مطلق قواست، چگونگی ارتباط قوا با هم مشخص نشده است.
- در جمهوری اسلامی ایران، فلسفه سرشکن شدن قدرت به بخش‌های مختلف تقنینی، اجرایی و قضایی، برای تسهیل امور و تخصصی شدن کارهاست نه برای تمرکززدایی از قدرت؛ چون با لحاظ صفات و شرایط درونی برای حاکمان، نوعی خودکنترلی و محدودیت درونی در نظر گرفته شده که احتمال گرایش به تمرکز قدرت و فساد آن کم است.

منابع فارسی

کتب

- امجد، محمد(۱۳۸۳)، سیاست و حکومت در ایالات متحده، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، تهران
- تنک، آندره(۱۳۷۴)، حقوق ایالات متحده آمریکا، ترجمه سیدحسین صفایی، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
- چامسکی، نوام(۱۳۷۲)، دموکراسی بازدارنده، ترجمه مهوش غلامی، انتشارات اطلاعات، تهران
- داری، شایریان(۱۳۶۹)، تحولات سیاسی در ایالات متحده آمریکا، ترجمه رحیم قاسمیان، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران
- ساجدی، احمد(۱۳۷۰)، از جرج واشنگتن تا جرج بوش، انتشارات محراب قلم، تهران
- شولزینگر، رابرت(۱۳۷۹)، دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، تهران
- طباطبایی مومنی، منوچهر(۱۳۸۰)، حقوق اساسی، چاپ دوم، تهران، میزان
- فرید محسنی، مرتضی نجفی استاد (۱۳۸۸)، حقوقی اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران
- قاضی، ابوالفضل(۱۳۸۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ دوازدهم، تهران، میزان
- لوتراس، لودتکه(۱۳۷۹)، ساخته شدن آمریکا، ترجمه شهرام ترابی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران
- مهدی خلیل نژاد، سید حسین حسینی(۱۳۹۵)، مزایا و معایب نظام پارلمانی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی،
- مهرپور، حسین محمود نظریات شورای نگهبان، جلد سوم، ۱۳۸۵-۱۳۸۳.
- مرکز مالگیری، احمد(۱۳۹۱)، راهکارهای تاثیرگذاری قوه مجریه در فرآیند تصویب لوایح در مجلس، در مجموعه مقالات اولین همایش ملی قوه مجریه در حقوق اساسی ج.ا.ا، تهران، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات

English Resources

Book

- Craft, Joseph(1967), **The Hidden Change in Congress**, in Walter Travis (Ed.), Congress and president, New York, Teachers College press
- Edward and Benjamin page(1997), **The Struggle for Democracy**, New York, Longman, Greenberg
- Jordan (terry),(1999), **The u.s constitution and fascinating facts about it**, Naperville, oak Hill publishing company

- Jones, Charles, (1990), **The Separated Presidency**, in Anthony King (Ed.), *The New American Political System*, Washington D.C., AEI Press
- Morgenthau, Hans J. (1968), **Alone With Himself and History**, in McDonald et al. (Eds.), *Readings in American Government*, New York, Thomas Y. and Crowley Company
- Rienow, Robert (1959), **American Government in Today's World**, Boston, D. C. Heath and Company
- Vile, M. J. C (1999), **Politics in the USA**, London and New York, Routledge